

## دیپلماسی آب در آسیای مرکزی

مقایسه و تحلیل دیپلماسی آب در بخش دیگری از جهان می‌تواند دیدگاه مناسب و جدیدی ارائه دهد، «زین الدین کرابی» از تحلیلگران امور بین الملل در سال ۲۰۰۵ میلادی به بررسی رقابت و سیاست هر یک از کشورها در قبال منابع آبی منطقه آسیای مرکزی می‌پردازد. وی می‌گوید که با پایان دهه ۱۹۸۰ مساله تقسیم آب و اختلافات مرزی که در اثر وجود اتحاد جماهیر شوروی خاموش مانده بود، به عامل آشکار رویارویی کشورها در منطقه تبدیل شد. وقتی که اتحاد شوروی فرو پاشید، استفاده از منابع آبی که پیش تر یک موضوع داخلی محسوب می‌شد، یکباره به موضوع مسایل بین المللی تبدیل شد، یک بازی با حاصل جمع جبری صفر درباره مساله آب ظهور پیدا کرد و هر یک از کشورهایی که صاحب حاکمیت گردیدند، مفهوم «حاکمیت بر منابع» را به عنوان مفهومی در داخل قانون اساسی خود گنجانده‌اند.

در سال ۱۹۹۱ همه کشورهای آسیای مرکزی از شوروی مستقل شدند، هر چند بخاطر اقتصادهای شدیداً مختلط و وابسته خود به زیر بناها و منابع مشترک، هنوز برای گام برداشتن در چنین راهی آماده نشده بودند. از این گذشته خلأ قدرت ناشی از فروپاشی امپراتوری شوروی باعث پیدایش نوعی رقابت میان قدرت‌های دیگر منطقه‌ای جهت نفوذ در این منطقه شد. یکی از اولین اقدامات منطقه آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۲ ایجاد کمیسیون میان دولتی برای همکاری درباره منابع آبی بود.

### ویژگی‌های منطقه، جمع اعداد

این منطقه به لحاظ نفتی، معدنی و منابع طبیعی غنی محسوب می‌شود، آب در منطقه یک موضوع کلیدی است؛ ۹۰ درصد منابع آبی منطقه در قرقیزستان و تاجیکستان متمرکز شده و این در حالی است که مهم ترین مصرف کنندگان آب- ازبکستان و قزاقستان- تنها می‌توانند ۱۴ و ۴۵ درصد آب مورد نیاز خود را تامین کنند. ازبکستان به تنهایی حدود نیمی از آب منطقه را مصرف می‌کند و در نتیجه آب مورد نیاز ازبکستان و قزاقستان، تحت کنترل قرقیزستان و تاجیکستان قرار دارد. دولت‌های بالادست به ویژه از هنگامی که سایر منابع خود را از دست داده‌اند، به آب به عنوان یک کالای تجاری و سودمند می‌نگرند. کنترل بر منابع آب از این جهت

برای آن‌ها مهم است که آن‌ها نیازمند تولید نیروی مورد نیاز خود هستند. هر چند اغلب اوقات این اختلافات از طریق مذاکره قابل حل و فصل است، ولی اهرم‌های به کار برده شده توسط طرف‌های دیگر در طول سال تغییر می‌کند.

در تاجیکستان، کشورهای پایین دست برای دستیابی به آب مورد نیاز خود اهرم اندکی دارند، ولی در زمستان دولت‌های مصرف کننده آب از برتری برخوردارند، زیرا می‌توانند منابع زغال و گاز خود را قطع کنند و یا این که جریان مبادله کالا از طریق جاده‌های خود را محدود نمایند.

برای کنترل و مدیریت این مشکل توافقنامه‌های دو جانبه بسیاری نوشته شده است، به طور مثال بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۴ قرقیزستان و ازبکستان ۱۰ توافقنامه با یکدیگر امضا کرده و نشست‌های مشترک زیادی برگزار نموده‌اند، گاز ازبکستان و آب قرقیزستان دو کالای سودآور در روابط دوجانبه بوده است. علی رغم امضای توافقنامه‌های آبی مختلف، شرایط همچنان ناپایدار است. کشورهای منطقه هر وقت احساس کرده‌اند که از اهرم قویتر برخوردارند و می‌توانند به معامله پرسودتری دست پیدا کنند، تعهدات خود را زیر پا گذاشته‌اند.

کشورهای پایین دست پس از استقلال سیاست خود اتکایی در حوزه انرژی را در دستور کار خود قرار داده‌اند و وابستگی خود به واردات نیروی برق تولید شده از منابع آبی از کشورهای همسایه را کاهش داده‌اند. در مقابل کشورهای بالادست نیز سیاست توسعه و بهروری از پتانسیل نیروی آبی را دنبال کرده و

بدین ترتیب جریان آب به سمت

کشورهای پایین دست را کاهش داده‌اند. جمعیت شهری کشورهای بالادست به ویژه در طول زمستان تا حد زیادی به منابع گاز و زغال سنگ کشورهای پایین دست وابسته هستند. چون کشورهای پایین دست برای منابع نساجی خود نیاز به آب دارند، می‌توانند از منابع انرژی خود برای چانه زنی جهت به دست آوردن آب استفاده کنند.

کشورهای بالادست نیز می‌توانند از منابع آبی خود به عنوان وسیله چانه زنی استفاده کنند، ولی استراتژی انرژی آن‌ها یک عامل محدود کننده محسوب می‌شود. بنابراین ما شاهد آن هستیم که کشورهای پایین دست و بالادست با فشارهای داخلی مختلفی دست و پنجه نرم می‌کنند. در اغلب موارد منافع آن‌ها کاملاً با هم متضاد است و باعث می‌شود آن‌ها برای مذاکره درباره استفاده مشترک از آب انعطاف پذیری کمی داشته باشند.

با توجه به همه این عوامل غیرمنتظره نیست که قراردادهای آبی دو و چند جانبه به طور پیوسته تغییر و تحول پیدا می‌کنند و همین عامل باعث افزایش جلال و کشمکش بر سر توزیع این منابع بین کشورهای همسایه می‌شود. در ۱۷ مارس ۱۹۹۸ سه کشور قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان توافقنامه‌ای درباره استفاده مشترک از منابع آب و انرژی در بیشکک منعقد کردند. سه ماه بعد تاجیکستان نیز به این توافقنامه پیوست. این توافقنامه اساساً توسط بزرگترین مصرف کننده آب منطقه یعنی ازبکستان هدایت می‌شد و هر چند تاجیکستان بخشی اعظمی از آب منطقه را تحت کنترل داشت، ولی در ابتدا به این گفت و گوها دعوت نشده بود. وضع موجود در مذاکرات چنان مساعد

